

امام ابوحنیفه و مبارزه با افراط گرایی مذهبی

عصمت الله محمدی *

چکیده

افراط گرایی مذهبی از دیرباز به صورت یک آفت، جامعه اسلامی را آزار داده و باعث هدر رفت سرمایه های هنگفت مادی و معنوی شده است. افراد و گروه های مختلفی همواره تلاش نموده اند تا با ایستادگی در برابر این جریان، دامنه فعالیت آنها را محدود و پیامدهای منفی آن را به حداقل برسانند. امام ابوحنیفه فقیه و متکلم نامدار کوفه و بنیانگذار مذهب حنفی از مذاهب چهارگانه اهل سنت، یکی از آنهاست. این پژوهش که از نظر ماهیت، از نوع تحلیلی-توصیفی است به بررسی اندیشه های ابوحنیفه برای مبارزه با افراط گرایی مذهبی با استفاده از روش کتابخانه ای پرداخته است. بررسی نظریه ارجاء، ایمان و عقلگرایی به عنوان مؤلفه های تحقیق نشان داد که او از افراط گرایی اجتناب داشت و با ارائه نظریه ارجاء معتدل و تعریف موسّع از ایمان، زمینه تکفیر برادران ایمانی و تفتیش عقاید را از بین ببرد و اتحاد و مودت را جایگزین نماید. سپس با دعوت مردم به عقلگرایی و فراگیری دانش، سعی داشت ضمن ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم، از افتادن آنها در دامان افراطیت جلوگیری نماید.

واژگان کلیدی: ابوحنیفه، اعتدال، افراط گرایی، عقلگرایی، مدارا

*. دانش پژوه دکتری اقتصاد اسلامی جامعه المصطفی العالمیه. esmatollah.m@gmail.com

۱- مقدمه:

پدیده افراط گرایی مذهبی در جهان اسلام با گرایش به اعمال خشونت و ایجاد وحشت هرچند از دهه های نخستین پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ظهور کرد اما در چند دهه اخیر حرکت شتابنده ای به خود گرفته و همه افراد و گروه های ملی و بین المللی را با چالش و دغدغه جدی مواجه نموده است. پیامدهای منفی این پدیده هم بر صلح، امنیت و ایجاد نوعی بدبینی و هراس از اسلام در گستره بین المللی و هم بر تعامل سازنده فرق اسلامی و ثبات درونی کشورهای اسلامی قابل تامل جدی است و هزینه ها و خسارتهای مادی و معنوی که این گروه ها بر دوش جامعه اسلامی گذاشته است خارج از تصور می باشد. در بیان چرایی ظهور گروه های خشونت طلب و افراطی، دلایلی ارائه شده است که طیف وسیعی از انگیزه ها را با توجه به فضای اجتماعی، جغرافیا، باورها و اعتقادات و التهابات درون منطقه ای شامل می شود: اصلاح مردم، بازگشت به اسلام واقعی، تشکیل خلافت (سلطه گری سیاسی) حتی با استفاده از خشونت، فعالیت گسترده شبکه های جاسوسی و امنیتی فرامنطقه ای، مبارزه با غرب و ... اما در واقع ریشه افراط گرایی، ترکیبی از عوامل یاد شده است.

این پدیده در تاریخ اسلام به صورت مشخص از زمان حضرت علی (ع) و با ظهور خوارج شروع شد و تا عصر ما که گروه هایی نظیر داعش، النصره و ... فعالیت می کنند، امتداد یافته است. برای مقابله مؤثر با این جریان، لزوم تدوین سیاست جامعی که هم بر اقدامات مقابله گرایانه و هم اقدامات پیشگیرانه توجه داشته باشد، ضروری است. «اقدامات پیشگیرانه باید جلوگیری از ظهور افراط گرایی یا کاهش تمایل افراد به سوی عقاید افراط گرایانه باشد و همچنین باید از طریق افزایش آگاهی عمومی، تقبیح افراط گرایی را دنبال و به این وسیله از گسترش آن جلوگیری کند. در عین حال، اقدامات پیشگیرانه باید تا حد امکان تمام جنبه های افراط گرایی را پوشش دهد.» (جعفری و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۹۱)

یکی از مهمترین روشهای پیشگیری از شیوع افراط گرایی، آشنایی با سیره ائمه مذاهب اسلامی است. بررسی تاریخ زندگی، عقاید، سیاستها و خط مشی آنها می تواند به پیروان

آنها کمک کند که در برخورد با تفکرات مخالف، جنبه اعتدال و میانه روی را حفظ کنند. ابوحنیفه نعمان بن ثابت (۱۵۰-۸۰ ه ق) از فقیهان و متکلمان برجسته عصر خویش بود. شافعی در وصف او گفته است: «جمله علمای عالم عیال ابوحنیفه اند در فقه.» (حامی، بی تا، ۹۳ به نقل از عطار نیشابوری، ۱۳۸۴، ۲۱۶) بررسی اندیشه های امام اعظم ابوحنیفه از جنبه های زیادی دارای اهمیت می باشد؛ ایشان ضمن اینکه مؤسس و بنیانگذار مذهب حنفی است که پیروان و طرفداران زیادی در اقصی نقاط دنیا و به ویژه در افغانستان دارد، در داشتن افکار و رفتار معتدل و در راستای همزیستی مسالمت آمیز به ویژه در برخورد با افراد و گروه های مخالف نیز شهره می باشند.

موقعیت خاص زمان امام ابوحنیفه از این جهت اهمیت دارد که گذار از یک دوره به دوره ای دیگر است. مشخصه چنین دوره های زمانی این است که در مدت کوتاه خلا سیاسی، کنشهای متقابل بین اندیشه ها و گروههای مختلف اجتماعی بیشتر می شود و به دنبال آن، یافتن راه حلهایی برای رهایی از وضع موجود دغدغه بسیاری از اندیشمندان می شود. (حامی و امینی، ۱۳۹۱، ص ۸۸)

"بر اساس روایات بسیار محدود حنفیان کلامی و عدل گرا و روایتهای منقول در منابع غیرحنفی (منابع کلامی، تاریخی، مناقب و غیره) و حتی پذیرش برخی روایتهای و قرائتهای حنفیان اهل سنت و جماعت و مکتب ماتریدی از اندیشه های کلامی ابوحنیفه، می توان اذعان کرد که وی در زمینه کلام راهی میانه را پیموده است." (خواتی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹). او با «نظریه ارجاء» می خواست "عمدتاً دیدگاه خوارج را تخطئه کند و در پی آن بود که راه تکفیر مسلمانان از سوی همکیشان شان را سد نماید. وی هیچ بی اعتنایی به ارزش عمل ندارد و عاصیان را نیز برخلاف جهمیه، به بهشت امیدوار نمی گرداند و حکم اخروی آنها را به خدا وا می گذارد." (خواتی، ۱۳۸۵، ۱۴۹ به نقل از اشعری و دیگران) این نوشتار در پی آن است تا با مطالعه موضع گیریهای بنیادی ابوحنیفه در مسائل ارجاء، ایمان، علم و جهل، جایگاه عقل و ... شیوه های ابوحنیفه در نفی افراط و افراطیگری را

تبیین نماید.

۲- هدف پژوهش:

محقق می‌کوشد تا با بررسی فقه سیاسی ابوحنیفه، اهتمام برای نفی افراط گرایی را در اندیشه ایشان مورد بررسی و تبیین قرار دهد. لذا هدف اصلی این پژوهش، مشخص کردن مبانی، اصول و پشتوانه نظری نفی افراط گرایی در اندیشه ابوحنیفه می‌باشد.

۳- روش پژوهش:

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و اطلاعات و مواد اولیه تحقیق پس از گردآوری به روش کتابخانه‌ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از منابع مختلف کتابخانه‌ای شامل مقالات، کتب و پایگاههای معتبر علمی در شبکه اینترنت برای جمع‌آوری ادبیات و سوابق موضوع استفاده و سپس نسبت به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آنها اقدام شده است.

۴- ضرورت پژوهش:

یکی از اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از ظهور افراط گرایی یا کاهش تمایل افراد به سوی عقاید افراط گرایانه، افزایش آگاهی عمومی از اندیشه‌ها و تفکرات شخصیت‌هایی است که ضمن برخورداری از جایگاه والای علمی، مذهبی و اجتماعی همواره در مسیر اعتدال و مدارا حرکت کرده‌اند. ابوحنیفه از آن دسته شخصیت‌هایی است که برجسته‌سازی عناصر فکری و فقهی‌اش می‌تواند ایده‌مدارا و نفی افراط گرایی را بارور نموده و زمینه ساز کاهش خشونت‌ها و نزاعهای مذهبی شود.

۵- پیشینه پژوهش:

درباره ابوحنیفه و اندیشه‌های فقهی و کلامی او تالیفات متعددی صورت گرفته است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

فلاح و علیخانی در مقاله‌ای با عنوان "نگاهی به اندیشه سیاسی ابوحنیفه" پس از اشاره

اجمالی به زندگی نامه و آثار ابوحنیفه، مبانی اندیشه سیاسی او را بر می شمرد. سپس با اشاره به شرایط حاکم و نحوه حکومت و رابطه مردم و جامعه به ویژگیهای فقه سیاسی ایشان اشاره می کند.

سپهری (۱۳۸۰) در کتابی با عنوان "پژوهشی درباره امامان اهل سنت: امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی و امام احمدبن حنبل" به بررسی چهار ائمه اهل سنت پرداخته است. در این کتاب که در ۴ فصل تدوین شده از تاریخ پیدایش مذاهب و ضرورت اجتهاد بحث شده است.

ابوزهره (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان "ابوحنیفه حیات و عصره" به بررسی دوره زمانی حیات ابوحنیفه و ادله شرعی استنباط احکام فقهی و مکاتب موجود در دوره او می پردازد. فقه عبادی ابوحنیفه در این کتاب مورد توجه نویسنده می باشد.

الجدی (۱۹۶۶) در اثری با عنوان "ابوحنیفه بطل الحریه و التسامح فی الاسلام" به ویژگیهای شخصیتی و فکری ابوحنیفه در استخراج احکام فقهی و سیاسی پرداخته و ابوحنیفه را به علت استفاده از عناصر عقلانیت و شجاعت در صدور احکام فقهی منطبق با مقاصد شریعت ستوده است.

خواتی (۱۳۸۵) در مقاله اش با عنوان "جایگاه اهل بیت (ع) از دیدگاه ابوحنیفه" به بازخوانی رابطه او با اهل بیت پیامبر (ص) مخصوصاً امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) پرداخته و با مقایسه دیدگاههای آنها، تفاوتها و شباهتها را بیان نموده و با اشاره به شواهدی نتیجه گرفته است که رابطه آنها دوستانه و توأم با احترام بوده است.

دانایی فر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان "تسامح درون دینی در اندیشه سیاسی ابوحنیفه" به بررسی تسامح در اندیشه سیاسی ابوحنیفه پرداخته و نتیجه گرفته است که تسامح و مدارای درون دینی در اندیشه سیاسی ابوحنیفه بسیار مهم بوده و رویکردهای او را در در زمینه ایمان، عقل گرایی، نظریه ارجاء، عرف و رویکرد آزاد اندیشی در این زمینه بسیار مهم می دانند.

موحد(۱۳۹۷) در مقاله اش ذیل عنوان "ضرورت احیای حنفیت برای مقابله با جریان تکفیری در افغانستان" ضمن ناکارآمد دانستن رویکردهای نظامی و امنیتی برای مقابله با پدیده تکفیر، تمرکز بر کارهای فکری و فرهنگی را تنها راه حل مناسب دانسته است و احیای اسلام سنتی با بازگشت به حنفیت اصیل را پیشنهاد می کند و معتقد است که سنت حنفی به دلیل بومی بودن، ظرفیت مهار جریان تکفیری را دارد؛ بدون آنکه حساسیتی ایجاد کند.

ابلاغ(۱۳۹۸) در کتاب "امام اعظم ابوحنیفه و افکار او" که در ۴ فصل تدوین شده است به شرح زندگی ابوحنیفه و مکاتب زمان او می پردازد. سپس به تحقیق در سند رسایل و آثار او پرداخته و خلاصه ای از تمام آثار او را بیان می کند. سپس در فصل ۴ مهمترین نظریات کلامی ابوحنیفه را به بررسی گرفته است.

۶- نوآوری پژوهش:

بیشتر مطالعات صورت گرفته در خصوص اندیشه ی ابوحنیفه مربوط به حوزه فقه عبادی ایشان بوده و کمتر به فقه سیاسی وی پرداخته شده است. اما این پژوهش به مطالعه ی فقه سیاسی ابوحنیفه می پردازد تا نفی افراط گرایی را در اندیشه ایشان مورد بررسی و تبیین قرار دهد. این تحقیق بر مبنای هدف، بنیادی-نظری است و نتایج آن می تواند به توسعه ی دانش در زمینه های مرتبط با موضوع یا حوزه ی مورد پژوهش، یاری رسانده و راهگشای سایر مطالعات و بررسی ها قرار گیرد.

۷- یافته های پژوهش:

۷-۱- مفهوم افراط گرایی:

افراط را در لغت " از حد در گذشتن و زیاده روی کردن" (معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۳۱۳) معنی کرده اند و از آنجا که با واژه "رادیکال" یا تندرو که از واژه یونانی رادیکس (Radix) به معنای ریشه گرفته شده است، مترادف است به عنوان صفتی برای همه نگرشها و روشهایی به کار می رود که خواهان تغییر بنیادی و سریع در نهادهای مختلف جامعه

هستند. افراط گرایی در مفاهیم سیاسی و دینی به نوعی گرایش فکری اطلاق می شود که "از گرایش های جریان اصلی (مورد قبول) جامعه بسیار خارج باشد." (دانشنامه ویکی پدیا) و از آنجا که افراط گرایان نسبت به عقاید و راه و رسم خویش تعصب ناروا دارند و بر باطل شمردن عقاید و رسوم دیگران اصرار دارند، درواقع از جاده اعتدال، عقلانیت و شریعت خارج شده اند. زیرا "در اعتدال حاکمیت عقل و شرع قبول شده است اما در افراط گرایی این مساله صادق نیست. مقتضای عقلانیت این است که انسان تنها شیفته حقیقت باشد و هیچ گزاره ای را بدون پشتوانه منطقی و برهان نپذیرد. در مقابل، افراط گرایی مستلزم خودشیفتگی است. معیار حق و باطل در نگاه فرد افراط گرا، فهم خود اوست." (بهشتی، ۱۳۹۳، ص ۸) نتیجه این تعصب می تواند رفتاری ظالمانه و خشونت آمیز باشد.

خداوند در قرآن مجید که محور شریعت و عقلانیت است در وصف کسانی که در اندیشه دیگران تدبر و تامل می کنند و بر اساس منطق، بهترین اندیشه را انتخاب می کنند؛ می فرماید: "آنانی را که سخن دیگران را می شنوند و بهترینش را پیروی می کنند، مژده ده. اینان را خدا هدایت کرده و صاحبان خرد نابند." (زمر/ ۱۸)

۷-۲- ابوحنیفه و جریان مرجئه:

در زمان ابوحنیفه در مورد ایمان، کفر و نقش عمل در ایمان مومن سه نظر مختلف وجود داشت: خوارج قائل به ارتباط محکم بین ایمان و عمل بودند تا جایی که «مرتکب گناه کبیره را کافر می دانستند.» (اشعری، ۱۳۶۹ق، ج ۱، ص ۴۹) مرجئه، ایمان و عمل را جدا از هم می دانستند و با اعتقاد به زیادت و نقصان ناپذیری ایمان، مرتکب گناه کبیره را کافر نمی دانستند. اهل حدیث ارتکاب گناه کبیره را موجب کفر نمی دانستند اما ایمان و عمل را ملازم هم دانسته و معتقد به زیادت و نقصان ایمان بودند.

دیدگاه تکفیری خوارج موجب فتنه و آشوب در میان مسلمین شده و بر شدت اختلافات داخلی مسلمین می افزود. آنها «تحت تاثیر واژه هایی چون ایمان، لاحکم الا الله و برأت

جوئی از ستمگران، خون مسلمانان را مباح دانسته و سرزمین های اسلامی را به خون افراد سرشناس رنگین ساختند.» (ابوزهره، ۱۳۸۴، ۱۱۲) مرجئه با تساهل ورزی افراطی در برابر حاکمان ستمگر، به حمایت از ستمگران و فاسقان متهم شدند. دیدگاه اهل حدیث با آنکه مقبولیت بیشتری داشت اما ظاهر گرایی افراطی و انعطاف ناپذیری آنها مانع عمده برای تعامل با مردم و حکومت بود.

«مرجئه» که از کلمه «ارجاء» مشتق شده است از جریانهای مهم قرون اولیه اسلام است که مجموعه ای از انگیزه های سیاسی و ایدئولوژیک از جمله واکنش به تندروی های «خوارج» موجب ظهور و گسترش آن گردید.

در فضای پرتنش آن زمان که گسستهای دینی-اجتماعی دامنگیر امت اسلامی بود، موضع گیری ابوحنیفه در باره مسئله ایمان و کفر، او را به زعم مخالفانش در صف مرجئه قرار داد. اما درست آن است که او را از مرجئان میانه رو بدانیم. (پاکتچی، ج ۵، ص ۳۸۲-۳۸۳) زیرا هرچند که او مانند پیشینیان مرجئه، قائل به تاثیر عمل در ایمان نبود اما بر ارزش عمل تاکید فراوان داشت و قیام علیه حاکم جائز مسلمان را نه تنها به صراحت رد نکرد بلکه «خروج علیه امامی که مرتکب گناه کبیره می شود را واجب میدانست.» (عودی، ۱۳۹۱: ۲۵) وی همواره از معترضان سیاسی حکام اموی و عباسی و در مواردی از حامیان مادی و معنوی قیام بود. او در نامه اش به عثمان بنی از اتهام ارجای افراطی براءت جسته و نظریه میانه خویش را بروز می دهد. وی در این نامه همه اهل قبله را مؤمن دانسته و تارک فریضه را مؤمن گنهکار میدانند و بخشش یا عذاب او را کار خداوند می داند. (ابلاغ، ۱۳۹۸، ص ۲۳۵) ابوحنیفه در نظریه ارجائش به دنبال سد نمودن باب تکفیر مسلمانان از سوی همکیشان شان بود و با تاکید بر ارزش عمل، برخلاف جهیمیان، عاصیان را به بهشت امیدوار نمی کرد و حکم اخروی آنها را به خدا وا می گذاشت. (پاکتچی، ص ۳۸۳ به نقل از سعد و ابوالحسن اشعری و) ایشان هیچ گناهی را زایل کننده ایمان دینی نمی دانست و معتقد بود "هیچ شخصی را از امت محمد به خاطر ارتکاب گناه کبیره نمی توانیم کافر بگوییم." (قاری الحنفی، بی تا، ص ۲۱۰). نقل قول

دیگری هم در این زمینه وجود دارد که در منابع متعدد از زبان ابوحنیفه نقل شده به این صورت که، "هیچیک از اهل قبله را کافر نمی‌پنداریم." (محمد بن حسن، موطأ، ص ۳۲۵). عمل دینی را نیز در صورت شک به خدای تعالی فاقد فایده می‌دانست. از نظر ایشان تنها کسی که گناهی را حلال شمرد یا کافری را کافر نداند، کافر می‌شود. (قاری الحنفی، بی تا، ص ۳۲۵)

نظریه زیادت و نقصان ناپذیری ایمان ابوحنیفه دارای مصلحت سنجی اجتماعی است. نظریه خوارج در باب ایمان، زمینه را برای تکفیر مسلمانان از سوی یکدیگر و در نتیجه ایجاد گسست اجتماعی بین مسلمانان فراهم کرده بود و ابوحنیفه به دنبال پیشگیری از گسیختگیهای اجتماعی - دینی بود. او در عین اینکه بر ارزش عمل صالح در زندگی فردی و ارزش عدالت در زندگی اجتماعی تأکید دارد، بر خلاف خوارج، در زندگی فردی عمل را با همه ارزش آن، جدا از حقیقتی به نام ایمان می‌شمارد و بدون آنکه به مسلمان عاصی وعده بهشت داده باشد، او را مؤمن و برادر دینی دیگر افراد جامعه می‌شمارد و بدین ترتیب ولایت را جایگزین برائت خوارج می‌سازد. با این دیدگاه می‌توان گفت که نظریه ارجاء ابوحنیفه می‌توانست در آن روزگار پراشویی که با ضعف خلافت مرکزی و ظهور حرکت‌های مختلف نظامی با انگیزه‌های گوناگون مذهبی و سیاسی همراه بود، بدون آنکه مسلمانان را در بعد فردی بر عصیان جری سازد، در بعد اجتماعی آنان را گرد محور «برادر ایمانی» و «ولایت» گرد هم آورد. (پاکتچی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۵)

۳-۷- وسعت ایمان و نفی افراط گرایی

ابوحنیفه از ایمان تعریف بسیار وسیعی داشت و همه افراد حتی ستمکاران و فاسقان را به محض اقرار اجمالی به آنچه پیامبر اسلام (ص) آورده است (اقرار اجمالی و بدون تفسیر به «ما جاء به الرسول»)، در بر می‌گرفت. (پاکتچی، ج ۵، ص ۳۸۵) با این تعریف، برداشت‌های دینی گروه‌های مختلف را در ایمان و کفر مؤثر نمیدانست لذا بسیاری از کسانی که از دیدگاه مکاتب دیگر کافر و از جامعه اسلامی خارج خوانده می‌شد، به دامن

جامعه برگردانده و عضوی از جامعه سیاسی مسلمان محسوب می شد. این فراز از عبارت منسوب به او: "کسی که به زبان تصدیق بورزد اما قلب و عقلش منکر باشد، در نزد خداوند کافر است اما در پیشگاه مردم، مسلمان شناخته می شود چه این که مردم نمی دانند در دل این شخص چه می گذرد و بر آن هاست که بر ظاهر چنین شخصی حکم بکنند و نکوشند به اسرار درونی وی پی ببرند." (الغزی، بی تا، ص ۳۷) می فهماند که او اقرار و تصدیق را برای ایمان و تسلیم و انقیاد در برابر اوامر الهی را برای اسلام کافی می دانست لذا همه مسلمانان در ایمان برابرند و آنچه که درجات ایمان را مشخص می کند تقوا یا عمل دینی است که خارج از توان و درک انسانهاست و تنها مرجع در این مورد خداوند متعال می باشد. این برداشت می تواند به ما در فهمیدن این دیدگاهش کمک کند که: "ایمان پدیده ای تجزیه ناپذیر است و زیادت و نقصان نمی پذیرد." چه بسا ابوحنیفه می خواست با طرح این دیدگاه، مانع انحصارگرایی و امتیازطلبی مسلمانان عرب شود و مسلمانان را صرف نظر از نسب، نژاد و تقدم و تاخر در ایمان آوردن و مسلمان شدن در یک مرتبه قرار دهد.

او حتی مرتکب گناه کبیره را نیز مادام که به حلیت گناه رأی نداده باشد، کافر نمی دانست بلکه او را در زمره ی مؤمنان فاسق جای می داد. (قاری الحنفی، بی تا، ص ۳۲۵) ابوحنیفه کسی را که در بلاد کفر و شرک و از روی جهالت صرفاً به ایمان و اقرار اکتفا کرده اما هیچ گونه عمل دینی انجام نداده، مؤمن می داند. (ابی المطیع البلخی، بی تا) وی نه تنها خود درباره ی مؤمنان فاسق و گناهکار حمل به کفر و جهنم نمی کرد بلکه با توسل به حدیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از کسانی که برای دیگر مسلمانان حکم به جهنم و بهشت می کردند بیزاری می جست و سرنوشت اخروی مؤمنان را به خدا حواله می کرد. (همان)

فراخ دانستن دایره ایمان، بعدها نیز در مکتب باقی ماند و بر آن تأکید شد. حکیم سمرقندی که حنفی مذهب بود؛ کتاب السواد الأعظم را برای اهل خراسان نوشت تا بنا به گفته خود، راه راست را بر آنها بنمایاند، در مسئله چهارم می گوید:

«هیچ کسی را از اهل قبله کافر مخوانید بگناه». (سمرقندی، ۱۳۴۸، ص ۳۶-۳۵)

۴-۷- ابوحنیفه و توصیه به علم آموزی

در آموزه های اسلامی بر فراگیری علم و دانش بسیار تاکید شده است وجود آیات و روایات متعدد که به طرق مختلف، مسلمانان را تشویق به علم آموزی می کنند حتی اگر دور و با سختی های فراوان باشد، عدم برابری افراد آگاه و ناآگاه و ... نمونه هایی از آن است.

با توجه به اهمیت فراوان فراگیری علم و دانش، امروزه یکی از شاخصه های اصلی توسعه یافتگی جوامع، نرخ با سواد و بی سواد آنهاست و در کشورهای توسعه یافته، نرخ با سواد به لحاظ کمی و کیفی بسیار بالا است؛ لذا بسیاری از معضلاتی که کشورهای توسعه یافته با آنها مواجه اند در این کشورها یا وجود ندارد و یا بسیار کم است. نتیجه تحقیقی که توسط مؤسسه صلح ایالات متحده منتشر شد بیان می کند که: "گروه های افراط گرا در کشورهای شکننده ای رشد می یابند که نیازهای اساسی افراد در آن تحقق پیدا نمی کند. می توان انطباق بسیاری میان مناطق ارتکاب عملیات تروریستی با مناطقی یافت که دچار کمبود شدید توسعه یافتگی هستند." (Steadman, ۲۰۲۰) با توجه به اهمیت آموزش در جلوگیری از گسترش افراطیت، یونسکو نیز به اقدامات پیشگیرانه مبتنی بر آموزش تاکید می کند. (UNESCO Website, ۲۰۲۱)

دانش موتور محرکه عقلانیت و اعتدال در برابر بی سواد و جهل است زیرا فرد فاقد دانش، خالی الذهن بوده و راحت تر تحت تاثیر تبلیغات دیگران قرار می گیرند. همچنین آنها قدرت به چالش کشیدن اقوال و آراء و مقابله به مثل را نداشته و راحت تر تحت تاثیر قرار گرفته و آماده حرکت های رادیکال و افراطی می شوند.

با توجه به وجود سفارش های متعدد دینی در مورد اهمیت علم آموزی، ابوحنیفه نیز به عنوان یک اندیشمند و فقیه مسلمان، یکی از راه های برون رفت مسلمانان از مشکلات موجود و گرفتار نشدن در دام افراطیت را تلاش برای فراگیری علم می دانست و بر آن

تاکید می کرد: "در العالم والمتعلم (ص ۳۲ به بعد) از لزوم تحصیل آگاهی برعلوم دینی و یافتن بینش در تشخیص فرقه ها سخن به میان آمده و علم با عمل اندک مفیدتر از جهل با عبادت بسیار دانسته شده است. همچنین در «الفقه الاکبر» (ص ۶-۷) آگاهی بر مسائل اعتقادی پر ارزشتر از علم به فروع فقهی دانسته شده است." (پاکتچی، ۱۳۷۲، ۲۱۳۰) او تلاش برای آگاهی های دینی را به قدر وسع و توانایی توصیه و تکلیف به مالایطاق را نفی می کرد و معتقد بود که: " خداوند از بندگان درباره آنچه نمی داند، پرسش نمی کند و غور آنان را در آنچه نمی دانند، نیز دوست نمی دارد." (همان)

۵-۷- ابوحنیفه و کاربرد عقل (رای و قیاس) در نفی افراط گرایی

عقل در لغت به معنای بازداری، نهی، خودداری، حبس (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵ ص ۱۷۶۹ / فیومی، ۱۹۲۷، م، ص ۴۲۲) و نقیض جهل آمده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۶۹) شایعترین کاربرد عمومی این واژه به معنای نیرویی است که نیک را از بد تشخیص می دهد. واژه عقل امروزه کاربردهای متنوع تری یافته و در بسیاری مواقع به معنای دریافت ها و دانسته های بشری است که مستقل از وحی بدست می آید.

تردیدی نیست که عقل و خرد بشری توانایی فهم دین با درجه اعتبار بالا را دارد؛ زیرا عقل و خرد از مهم ترین ابزارهای ادراکی بشر است که ارزش و اعتبار آن گاهی برتر از ابزارهای ادراکی دیگر نظیر حس است و حتی می تواند تکیه گاه و تایید کننده آنها باشد. (شاکرین، ۱۳۸۵، ص ۳۷) ضمن اینکه ریشه بسیاری از آموزه های دینی از سنخ مسائل عقلی است و ناتوانی عقل از فهم دین و آموزه های آن، به معنی لغو بودن این گونه آموزه های دینی خواهد بود. برای مثال برهانهای خداشناسی در قرآن، مسئله توحید، پاره ای از مطالب مربوط به اوصاف و افعال الهی و... از این سنخ است.

دعوت قرآن به تعقل و تدبر در آموزه های خود مؤید این مطلب است که عقل و خرد می تواند آن مطالب را هرچند در سایه آموزش های قرآن درک نماید. اهمیت عقل در نصوص دینی به حدی است که یکی از حجت های الهی قلمداد شده است.

پذیرش رای و قیاس از سوی ابوحنیفه به عنوان یکی از منابع معتبر استنباط احکام شرعی و گشایش باب اجتهاد (صرف نظر از نقدهای تخصصی که به آن وارد شده است) به خاطر نمایندگی از سنت عقلایی در دستگاه فقهی عامه اسلامی و گشودن باب مصلحت اندیشی عقلایی در امور سیاسی و اجتماعی اهمیت داشت. احتمالاً یکدست نبودن شرایط اجتماعی ابوحنیفه نیز در این موضوع دخیل بوده و ایشان برای ایجاد یک جامعه یکدست و ایجاد همی نشینی میان عقل و دین، بهره گیری از رای و عقل را تجویز کردند. (حامی، بی تا، ۹۹)

برخلاف تصور عده ای، قیاس درمقابل نص یا حدیث معتبر نبود بلکه طبق روایت نقل شده توسط ابوداود و ترمذی، قیاس بعد از نبود حکم شرعی در کتاب و سنت رسول الله (ص) (و بنا به روایت نسایی در صورت نبود حکم در اقوال صالحین (صحابه) اعتبار می یابد. (ابوداود سجستانی، سنن، ج ۳، ص ۳۰۳ و ترمذی، سنن، ج ۳، ص ۶۱۶ و نسایی، سنن، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۲۳۰-۲۳۱) ابوحنیفه در کاربرد قیاس به ضوابطی پایبند بود و از کاربرد آن در مسائل تعبدی پرهیز می می کرد.

ابوحنیفه با تاکید بر عقلگرایی و پیمودن راه میانه و پرهیز از افراط و تعصب مذهبی، با رهبران و پیروان سایر مذاهب و ادیان، رفتاری محترمانه و دوستانه داشت. نفی توهین و خشونت در فرهنگ فقهی او را می توان با نگاهی به دیدگاهش درباره جهاد با مخالفان دین به دست آورد و از آنجا که هرگونه تعرض غیردفاعی به کفار را حرام می دانست و به شدت با دستاویز قراردادن کفر و شرک برای آغاز اقدامات خشونت آمیز مخالف بود، می توان نتیجه گرفت که با دستاویز قراردادن اختلافات مذهبی برای اقدامات خشونت آمیز هم مخالف بود. (دانایی فر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷۰۷)

سید جمال الدین اسد آبادی در اهمیت عقل و رهایی از تعصبات ناروا که افراطیگری را به دنبال می آورد، چنین می گوید: «برای مطابقت با شرایط علمی دنیای مدرن باید اعتقادات را به محل عقل سنجید و کلام خدا را در جهت آزادی سیاسی و بی نیازی

اقتصادی و حقوق حقه انسانی آنها فهمید. مسلمانی که بدینسان از بند خرافات و تعصبات ناروا رها می شود و به حقایق دینی خود آگاهی می یابد و امکانات جدید آن را در می یابد نه فقط تعدی غیر انسانی را به شخصیت خود نمی پذیرد بلکه عملاً با اتحاد با دیگر برادران مسلمان شائق می شود و از این رهگذر اسلام را به عالی ترین درجه قدرت می رساند.» (مجتهدی، ۱۳۶۳، ۱۹)

۸- نتیجه:

بررسی عقاید و اندیشه های ابوحنیفه در مؤلفه های مورد تحقیق (نظریه ارجاء، ایمان و عقلگرایی) نشان می دهد که او از گرایشهای افراطی اجتناب داشته و با بهره گیری از عنصر عقل و تدقیق در آیات و روایات، سعی در حفظ اعتدال و میانه روی داشت و با دعوت مردم به مشی در این مسیر تلاش می کرد از گسیختگیهای اجتماعی-دینی جلوگیری نماید. در نظریه ارجاء معتدلش در پی آن بود تا با حفظ ارزش عمل در زندگی افراد بدون آنکه به فرد عاصی وعده بهشت دهد تا بر عصیان جری شود، او را برادر دینی سایر افراد جامعه می شمرد تا مودت و دوستی جایگزین براءت، نفاق و دشمنی خوارج شود. ضمن اینکه با این نظر، تفتیش عقاید را نیز در اسلام مردود دانست. تعریف وسیع از دایره ایمان در همین راستا بود تا افراد بیشتری زیر چتر دین رحمانی اسلام قرار گیرد. او اقرار اجمالی به آنچه پیامبر خدا(ص) آورده بود و تصدیق اسلام را موجب بهره مندی از حقوق اسلامی (حفظ مال، جان، ناموس و آبرو) می دانست.

ابوحنیفه از تعمیق اختلافات مذهبی مسلمانان نگران بود به همین خاطر مردم را به کسب علم و دانش و تعقل و تدبر در مسائل دعوت می کرد تا در دام فرقه های افراطی گرفتار نشوند. او با استفاده از عقل در استنباط احکام دینی تلاش کرد زمینه های دگم اندیشی را که منجر به افراط و خشونت می شد از بین ببرد و در زمینه استنباط خودش از مسائل دینی که آن را "رای" می نامید، می گفت: «این سخن ما، رای است و بهترین سخنی

است که به آن دست یافته ایم، پس هر که سخن بهتری آورد، به صواب نزدیک تر است.» این به آن معنی است که او در پذیرش آرای مخالفانش مادامی که اثبات می شد که در چارچوب عقل و دین است، ابایی نداشت.

بنابراین گسترش و انتشار اصول فکری و فقهی ابوحنیفه در کمرنگ شدن افراط گرایی در جوامع اسلامی می تواند کمک قابل توجهی نماید و از گسترش خشونت های دینی و تکفیر جلوگیری کند.

منابع:

- ۱- قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.
- ۲- ابلاغ، عنایت الله، مترجم: فضیلت، فضل من الله، امام اعظم ابوحنیفه و افکار او، کابل، ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی وزارت ارشاد، حج و اوقاف، ۱۳۹۸، ص ۲۳۵
- ۳- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۴- اشعری، سعد، المقالات والفرق، ص ۶؛ ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۳۸؛ رجال کشی، ص ۱۹۰؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۸۲؛ شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۳۳؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۲۶؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابوحنیفه»، ص ۳۸۳، خواتی، محمدشفق، جایگاه اهل بیت در اندیشه ابوحنیفه، طلوع نور، ۱۷، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹.
- ۵- اشعری، ابوالحسن، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین تحقیق محمد محی الدین عبدالمجید، ج ۱، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۳۶۹ ق، ص ۴۹.
- ۶- بوداوود سجستانی الأزدی، سلیمان بن الأشعث، سنن، ج ۳، المحقق: محمد محی الدین

عبدالحمید، بیروت، دارالفکر، ص ۳۰۳.

۷- ابوزهره، محمد، ابوحنیفه حیات و عصره، قاهره، دارالفکر العربیه، ۱۳۸۴.

۸- الغزی، تقی الدین، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة، بی تا، ص ۳۷.

۹- بلخی، ابی المطیع، الشرح المیسر للفقہ الأیسط المنسوب لأبی حنیفه روایه ابی مطیع البلخی عن أبی حنیفه، نسخه الکترونیکی

، <http://www.islammessage.com/booksww/book-larg-texe.pho> .

نگاهی به اندیشه سیاسی ابوحنیفه

۱۰- بهشتی، احمد، افراط گرایی نقطه مقابل عقلانیت و شریعت، عقل و دین، ۶، ش ۱۱، ۱۳۹۳، ص ۸.

۱۱- پاکتچی، احمد، «ابوحنیفه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۳۸۲-۳۸۳

۱۲- الترمذی السلمی، محمد بن عیسیٰ أبوعیسیٰ، سنن، ج ۳، محقق: أحمد محمد شاکر و آخرون، بیروت، التراث العربی، ص ۶۱۶.

۱۳- جعفری و ذاکریان امیری، رؤیا و مهدی، نقش آموزش کودکان در مقابله با افراط گرایی، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۶۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۲۹۱.

۱۴- الجوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح فی اللغة و العلوم؛ ج ۵، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار؛ ج ۴، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.

۱۵- حامی، محبوبه & امینی، لیل، تاثیر شرایط اجتماعی بر مرجعیت عرف در اندیشه ابوحنیفه، پژوهش در تاریخ، ۳، ۴، ۱۳۹۱، ص ۸۸.

۱۶- خواتی، محمدشفق، جایگاه اهل بیت در اندیشه ابوحنیفه، طلوع نور، ۱۷، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹.

۱۷- دانایی فر، محمد و همکاران، تسامح درون دینی در اندیشه سیاسی ابوحنیفه، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳، ۱۱، ۱۳۹۹، ۷۰۷.

۱۸- دانشنامه ویکی پدیا. (www.wikipedia.org)

۱۹- سرخی، بوبکر محمد بن سهل، المبسوط، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق، الجزء الخامس، ص ۱۰؛ محمد بن حسن الطوسی، الخلاف، تحقیق: سید علی الخراسانی و... قم: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق، المجلد ۴، ص ۲۵۱-۲۵۲.

۲۰- سمرقندی، ابوالقاسم اسحاق بن محمد حکیم، السواد الأعظم، به اهتمام: عبدالحی حبیبی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، ص ۳۶-۳۵.

۲۱- شاکرین، حمیدرضا؛ براهین اثبات وجود خدا در نقدی بر شبهات جان هاسپرز؛ چ ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۵.

۲۲- شریف، میان محمد، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه: زیر نظر نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، جلد ۲، ۱۳۶۵، ص ۱۲۸.

۲۳- عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکره الاولیاء، تصحیح: رنولدالین نیکلسون، تهران، نشر علم، چ ۱، ۱۳۸۴.

۲۴- عودی، ستار و همکاران، خوارج، مجموعه کتابخانه دانشنامه جهان اسلام (۴۴)، چاپ اول، تهران، نشر کتاب مرجع، ۱۳۹۱.

۲۵- فلاح، رستم و علیخانی، علی اکبر، نگاهی به اندیشه سیاسی ابوحنیفه، سایت راسخون،

۲۶- الفیومی، المصباح المنیر؛ چ ۷؛ القاهرة، وزارة المعارف، ۱۹۲۷ م.

۲۷- قاری الحنفی، ملاعلی، شرح کتاب فقه الاکبر، تحقیق علی محمد دندل، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

۲۸- مجتهدی، کریم، سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.

۲۹- محمد بن حسن، موطأ، ص ۳۲۵

۳۰- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، چ ۸، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۳۱۳.

۳۱- نسایی، ابو عبدالرحمن، سنن، المحقق: عبدالفتاح أبوغده، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق، الطبعة الثانية، الجزء الثامن، صص ۲۳۱-۲۳۰.

۳۲- Steadman, Leanne Erdberg, "The Role of Aid and Development in the Fight Against Extremism: International Assistance Can Undercut Radicalization by Addressing the Grievances That Extremists Use to Recruit, United States Institute of Peace, February ۴, ۲۰۲۰, At: <https://www.usip.org/publications/۰۲/۲۰۲۰/role-aid-and-development-fight-against-extremism>, last seen ۲۰۲۱/۹/۱۰.

۳۳- UNESCO, "Preventing Violent Extremism", at: <https://en.unesco.org/preventingviolentextremism>, last seen ۹/۱۰/